



حسین کنجی

شواهد روشن در بازار هنر با وجود گیوتین سهمگین کرونا در دو سال و اندکی که جهان و ایران را درنور دیده است، بیانگر آن است که مصرف کالای هنری به‌ویژه هنرهای تجسمی نموداری افزایشی داشته و این مسیر طی این سال‌ها شاید با شیب کمتر، به مسیر خود ادامه داده و می‌دهد.

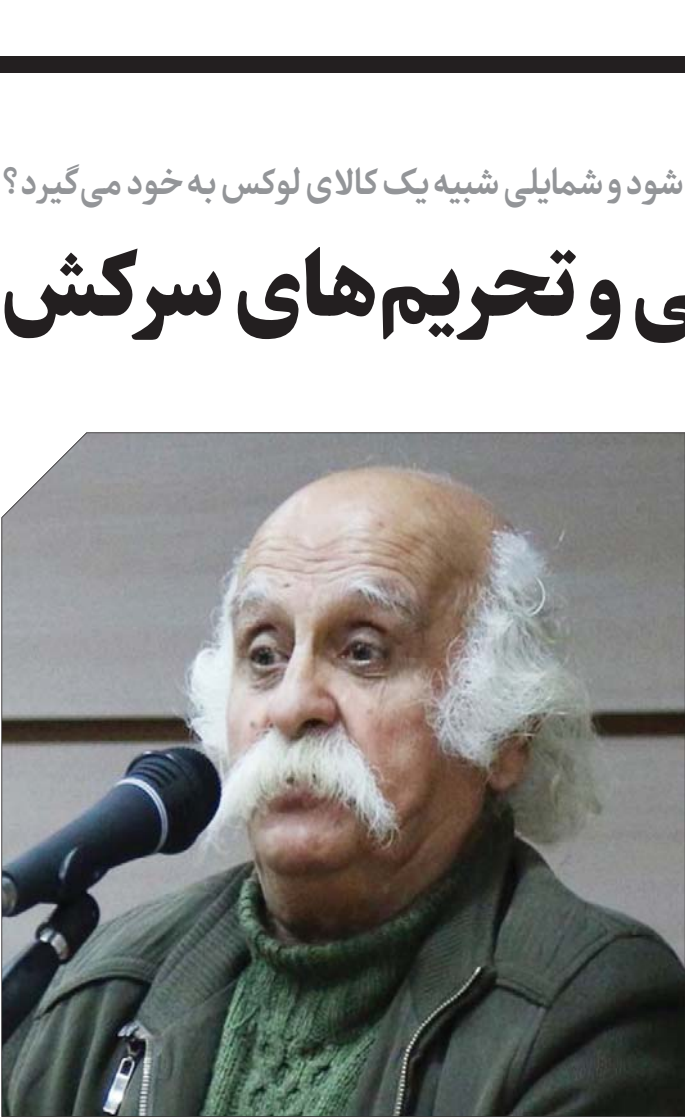
به قول هانس ایلینگ امروزه سهم فزاینده‌ای از درآمدها وقف هنر می‌شود و هنرهای زیبا هم از این قاعده مستثنا نیستند. این وضعیت مطابق نظریه عرضه و تقاضای اقتصاد نئوکلاسیک است. این موضوع به خرید و فروش اثر هنری به‌صورت مستقیم در جامعه اشاره دارد. اگر شواهد عینی و مستقیم را کنار بگذاریم، هنر به‌ویژه از جنس هنرهای تجسمی وارد لایه‌هایی از صنعت و تولید و خدمات ما شده که دیگر به هنرمند با کارکردهای متنوعش بیش از هر زمانه‌ای نیاز است، از آنجایی‌که به خلاقیت و ایده بیش از هر زمانه دیگری مراجعه می‌شود.

به قول الوری اشایدر آدامز، در کتاب کاوش در هنر، زندگی امروز ما بیش از هر زمانه دیگری تنیده به هنر است و از آن تفکیک‌ناپذیر. او می‌گوید: «هنرهای تجسمی شامل

هنر همواره در مسیر ارزشمندی

تصاویر، پیکره‌ها و معماری از این جهت اهمیت دارد که در جهانی زندگی می‌کنیم که در آن تصاویر در همه‌جا وجود دارد و این تأیید، طنین‌افکن تأثیر گسترده آنان است» این تنیدگی هم به زیست هنرمندانه انسان و نیاز او به هنر و پیشرفت خزنده خلاقیت در ابزارهای زیستی انسان بازمی‌گردد. از دیرباز انسان برای توسعه زندگی خود مجبور به بهره‌گیری از انواع صنایع هنری و روش‌هایی تازه برای بیان، کار و زندگی در معنای کلی بوده است که گاهی جنبه تزئینی آن و گاهی جنبه کاربردی و کارکردی آن بر بخش زیبایی‌شناختی‌اش چربیده و گاهی نیز همان بعد تزئینی آن رواج یافته و علاقه‌مند و مخاطب داشته است. گاهی برای نرم‌کردن زیر پایش به فرش رو آورده و در نهایت خلاقیت به آن نفوذ، رنگ و فرم بخشیده است و گاهی برای پرده خانه‌اش و وسایل آشپزخانه و ظروف مصرفی خود و گاهی برای عمق‌بخشیدن به کنجی از خانه‌اش به آن محتاج شده یا مراجعه کرده است. هنر در مسیر تعالی خود در سال‌های اخیر که مدرن‌شدگی را مثل زندگی تجربه کرده است، دارای ارزش افزوده شده و اعتبار بیشتری نیز گرفته و معنا را به زیبایی نیز افزوده و با وجود فاصله‌یافتن با زندگی و کارکردهای

ابزارگونه‌اش برای خود کارکردهای متعالی‌تری نیز ایجاد کرده است؛ اما با وجود این فاصله‌گذاری‌ها و البته اوج‌گیری خلاقیت به موازات آن، کاربردها نیز شکل‌های دیگری به خود گرفت و از عمومیت هنر نه‌تنها کاسته نشد، بلکه افزایش نیز یافت. امروز شما به همان میزان که به تلویزیون و موبایل به عنوان یکی از وابسته‌ترین ابزارهای مدرن به هنر مدرن، محتاج هستید، به نوعی به آثار نقاشی آوانگارد و مجسمه‌ها در گالری‌های کم رفت و آمد نیز خود را نیازمند می‌دانید و اگر توان دراختیارداشتن آن را نداشته باشید، حتما به تماشای آن می‌روید، زیرا امروز بر کسی پوشیده نیست که هنر، ترسیم بخش آینده است. از اینجاست که هنر را نیز مثل باقی محصولات موجود در جامعه، طبقات مختلفی از مخاطبان در برگرفته و تعریف می‌کند. همان‌طورکه هر محصول دیگری می‌تواند در جامعه بخشی از بازار را به خود بگیرد، هنرهای تجسمی هم در عرضه عمومی برای طبقات مختلفی با ساحت‌ها، سلائق مختلف و ادراکات مختلف روبه‌رو است. همان‌طورکه از تماشای یک معماری شگفت‌زده می‌شوید و حضورش می‌تواند ارزش و اعتبار زیستی برای یک محله، شهر و جمع ایجاد کند، داشتن یک اثر هنری نیز



می‌ماند و همه زیان می‌بینند.

می‌تواند برای یک فرد یا یک شهر و ملتی چنین ارزشی را دربر داشته باشد و هرکسی به میزان توانمندی‌ها و نیاز خود و شیوه‌ای که زندگی می‌کند، به مراتب مختلفی خود را به آن محتاج بداند که در آن دارایی‌های مالی، دانش و سواد بصری و سبک زندگی اثرگذار خواهد بود. بر این اساس باید هنرهای تجسمی را در مسیر فراگیری و بازاری روبه‌رشد دانست. از دلایل مختصر اما گویای چنین فراگیری‌ای باید به بالا رفتن سطح سواد عمومی و افراد تحصیل‌کرده در جامعه اشاره کرد. در شکل ایدئال، هنر امری است تفکربرانگیز. به‌ویژه هنر مدرن و معاصر همان‌طورکه گفته شد. شاید مراجعه به شبکه‌های اجتماعی، وابستگی به موبایل و تلویزیون جنبه‌های منفی فراوانی داشته باشد، ولی یکی از جنبه‌های مثبت آن امکان مراجعه بیشتر به هنر است. در آخر شاید یکی دیگر از دلایل رشد را کسب اعتبار بدانیم، آن هم در جهانی که اعتبارهای مالی و مقامی به‌سرعت زیر پا قرار می‌گیرد و می‌تواند در معرض ریسک باشد، این هنر است که توانمندبودن در آن یا داشتنش توانسته آن را در جایگاه ایجادکننده ارزش افزوده و دارای اعتبار مادام‌العمر قرار دهد، اگر با آگاهی اتفاق بیفتد.

گالری‌گردی

نمایشگاه «دگرجای» در خانه هنرمندان

«دگرجای» در گالری استاد مرتضی ممیز

نمایشگاه «دگرجای» شامل مجموعه نقاشی‌های سارا پرنیان‌پور در خانه هنرمندان ایران افتتاح می‌شود. «دگرجای» عنوان نمایشگاه جدیدی در خانه هنرمندان ایران است که نقاشی‌های سارا پرنیان‌پور را در معرض دید علاقه‌مندان به این هنر قرار می‌دهد. «دگرجای» شامل ۳۳ اثر نقاشی با تکنیک رنگ روغن روی بوم و تخته است. این رویداد تجسمی پنجشنبه، پنجم خرداد در گالری استاد مرتضی ممیز خانه هنرمندان ایران کار خود را آغاز می‌کند و تا ۲۳ خرداد ۱۴۰۱ همه‌روزه (به‌جز شنبه‌ها) از ساعت ۱۶:۰۰ تا ۲۰:۰۰ میزان علاقه‌مندان است.

افتتاح نمایشگاه گروهی در گالری آرتیبیشن

در ریشه «ماندن»

نمایشگاه گروهی «ماندن» با مجموعه آثاری از هنرمندان پیشرو و معاصر به تاریخ ۲۰ خردادماه در گالری آرتیبیشن برگزار می‌شود. آثار این نمایشگاه به کیوریتوری علیرضا چلیپا از هنرمندان، مهدی راحمی، محمد مساوات، علی کنجوی و امیرحسین بیانی با نگاه به حفظ فرهنگ و استوارماندن در ریشه‌ها با توجه به وضع موجود، در مجموعه‌ای با عنوان «ماندن» خلق شده و روی دیوار می‌رود. علیرضا چلیپا، نقاش و روزنامه‌نگار در بخشی از استیتمنت این نمایشگاه نوشته: «نیازمندی فرهنگی، ماهیت فرهنگ به‌عنوان ایجادکننده و نگهدارنده اجتماع (اعم از خرده فرهنگ‌ها و فرهنگ کلی یک جغرافیا) و روابط انسانی و زمینه‌ساز تفکر معاصر نیازمند تدوین و زیبایی‌شناسی است. فرهنگ اجتماعی در چارچوب هنر، اندیشه و گفت‌وگو تعریف می‌شود. هنر ساختاری تصویرمحور (آنچه معنای خیال‌انگیزی را دارا باشد) در بدنه فرهنگ ایجاد می‌کند و خالقیت را شکوفا می‌کند. ضرورت ماندن به این سیاق در امروز ما گویا از هر دوره دیگری حیاتی‌تر می‌شود». علاقه‌مندان می‌توانند تا تاریخ ۲۹ خردادماه از نمایشگاه «ماندن» در گالری آرتیبیشن به نشانی خیابان شرعیتی، نرسیده به اتوبان همت، خیابان گل‌لنی، میدان احمدی‌روشن، خیابان ساسانی‌پور، کوچه قندی، شماره ۶ بازدید کنند.

نمایشگاه مجازی نقاشی‌های غار ماقبل تاریخ



نمایشگاهی در یکی از شهرهای فرانسه برگزار شده است که برای بازدیدکنندگان امکان بازدید مجازی از «غار کاسکو» را فراهم می‌کند. به نقل از نشنال، به دنبال نگرانی‌هایی درباره خطر از دست رفتن غار ماقبل تاریخ «کاسکو» بر اثر افزایش سطح آب، یک نمایشگاه مجازی امکان بازدید از این غار را فراهم کرده است. این نمایشگاه در شهر بندری «مارسی» واقع در فرانسه برگزار شده است و بازدیدکنندگان می‌توانند نسخه بازسازی‌شده این غار ۳۰ هزارساله را تماشا کنند. این نمایشگاه بصری و شنیداری، کپی‌هایی از نقاشی‌های ماقبل تاریخ این غار را به نمایش می‌گذارد. «غار کاسکو» در سال ۱۹۸۵ توسط «هنری کاسکو» که یک غواص بود، در اعماق سواحل «مارسی» کشف شد. این نمایشگاه که برگزاری آن سال‌ها زمان برده است، به عموم مردم این امکان را می‌دهد که بتوانند در این غار بگردند، البته درحال‌حاضر فقط راه‌رفتن در ۲۰ درصد از این غار امکان‌پذیر است.

تأثیرات سوء تنگنهای اقتصادی و دشواری‌های ناشی از آن نه فقط بر تمامی اقشار اجتماعی اثر گذاشته که به همین نسبت و حتی شاید بیشتر، به هنرمندان هنرهای تجسمی نیز آسیب زده است. بدیهی است که دشواری‌های اقتصادی بیش از هر چیز خریداران بالقوه آثار هنری را از خرید آثار بازمی‌دارد. در وضعیت اقتصادی ناپسامان که تأمین مایحتاج روزمره اولویت پیدا می‌کند، خرید آثار هنری که نقش کمتری در بقا و نیازهای هر روزه زندگی دارند، بی‌نتیجه به نظر می‌رسد. به این ترتیب بسیاری از خریداران بالقوه هنر از طبقات مختلف اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی از خرید آثار هنری صرف‌نظر می‌کنند. این در حالی است که آثار هنری نه فقط می‌توانند نقش مهمی در زیبایی محیط زندگی ما ایفا کنند که در عین‌حال آثار هنری به زندگی ما معنی و مفهوم می‌دهند. همچنین که در بازار پررونق آثار هنری می‌توانند نوعی سرمایه‌گذاری هم محسوب شوند که ارزش پولی را که خرج‌شان شده حفظ کنند.

تداوم این وضعیت باعث می‌شود تا تنها طبقه فرهنگی، اقتصادی یا اجتماعی خاصی توان خرید آثار هنری را پیدا کنند. پس با این تفاسیل آیا اثر هنری را می‌توان کالایی لوکس در نظر گرفت؟ حسین محسنی، مدیر گالری آرتیبیشن در این مورد توضیح می‌دهد: «در علم اقتصاد، کالای لوکس کالایی است که با افزایش درآمد، تقاضا برای برخورداری از آن بیشتر از آنچه متناسب و معقول است افزایش می‌یابد، به طوری که هزینه این کالاها یا خدمات سهم بیشتری از مخارج کلی را به خود اختصاص می‌دهد. کالاهای لوکس برخلاف کالاهای ضروری هستند که در آن تقاضا به نسبت کمتر از درآمد افزایش می‌یابد. لوکس یا آنچه در زبان پارسی بیشتر در معنای تجمل می‌شناسیم نیز به کالا یا خدماتی گفته می‌شود که ضروری نیست و معمولا آنچه مشمول ضرورت نمی‌شود، هر آنچه که باشد، گران خواهد بود چراکه تقاضا نسبت به آن در بسیاری از موارد بیش از موجودی است.»

پس اگر قرار باشد هنر را به‌مثابه کالایی لوکس در نظر بگیریم، مجبوریم آن را به مثابه کالایی در نظر بگیریم که ضرورتی ندارد یا به شکل اختصاری ذیل تجمل قرار می‌گیرد. فرشید پارسی‌کیا، طراح گرافیک، مدیر فصل‌نامه پشت‌بام و مدیر گالری دنا، در این باره نظر دیگری دارد: «به اعتقاد من جامعه ما در حال حاضر، جامعه‌ای اقتصادزده است و این موضوع باعث می‌شود تا تولید هنری ذائقه‌مند نشود. نه فقط به این دلیل که مجموعه‌داران فقط آثاری را با ذائقه خاص می‌خرند بلکه این هنرمندان هستند که آثار را به سمت و سوی مشخصی می‌پرن که بیشتر مورد پسند و پذیرش بازار قرار بگیرد». به اعتقاد پارسی‌کیا مشکلی که گاه دام‌گیر هنر می‌شود، مسئله ناآگاهی است: «من به شخصه افرادی را می‌شناسم که از طبقه اهل دانش هستند، اما زمانی که صحبت از قیمت آثار هنری می‌شود، می‌پرسند مگر اثر هنری با قیمت زیر صد میلیون تومان هم وجود دارد؟ و همین تلقی غلط که تا حد زیادی هم ناشی از رسانه‌های ملی است، باعث می‌شود که بسیاری از خریداران بالقوه آثار هنری اصلا سمت گالری‌ها نینایند و پیشاپیش از خرید آثار هنری صرف‌نظر کنند».

حسین محسنی هم به شکلی دیگر گفته پارسی‌کیا را تأیید می‌کند. به باور او نیز آنچه هنر را به عنوان کالایی لوکس معرفی می‌کند، بیشتر بر اساس ناآگاهی است تا مواردی دیگر: «در جامعه کنونی ما، هنرهای تجسمی به عنوان هنر اندیشمندانه، یا در اصطلاح روشنفکرانه و غیرعمومی تلقی می‌شود اما این برداشت منجر به ایجاد سوآلاتی از این دست خواهد شد که آیا این امر ناشی از لوکس و گران بودن آثار تجسمی است که مانع ارتباط آن با بدنه جامعه تا این لحظه شده است؟ آیا هزینه تولید، تبلیغات و بهره‌برداری از سینما، تئاتر یا موسیقی به نسبت هنرهای تجسمی کمتر است؟ و کل جریان هنر ما نسبت به بقیه بازار در چه جایگاهی قرار می‌گیرد؟ میزان بودجه تخصیص داده‌شده از سمت بخش دولتی یا خصوصی به هنر در قیاس با سایر بخش‌ها در کشور ما چگونه است؟ و آیا برای بررسی سرمایه‌گذاری (خصوصی یا دولتی) به میزان اثرگذاری آن باور داریم؟ آیا عدم اولویت نیازهای هنری و اقتاع این موارد به دلیل درگیری بخش عظیمی از جامعه با نیازهای عادی نظیر امصار معاش می‌تواند دلیلی برای برجس‌بزدن به بازار هنر و عدم بهره‌مندی از آن باشد؟ باید به این نکته توجه داشت که موسیقی، تئاتر، سینما و هنرهای تجسمی نه در تقابل هم که مجموعه‌ای در کنار هم و تکمیل‌کننده یکدیگرند که می‌توانند در همیاری هم توجه آدمی را به نیازی بس اساسی‌تر جلب کنند یعنی انسانیت، آنچه که نبود آن در بطن جامعه هزینه‌های گزافی برای سایر بخش‌ها خواهد داشت».

مدیر گالری دنا، برای توضیح بیشتر در مورد گفته‌هایش به تاریخ گالری‌داری در ایران هم رجوع می‌کند: «ما فضای فعال، تأثیرگذار و مردمی